



دره‌وای ترنم ▶

چارپاره دل او

زنده یاد دکتر قیصر امین‌پور

(۱)

این روزها که می‌گذرد

شادم

این روزها که می‌گذرد

شادم

که می‌گذرد

این روزها

شادم

که می‌گذرد...

(۲)

نه چندان بزرگم

که کوچک بیایم خودم را

نه آن قدر کوچک

که خود را بزرگ...

گریز از میان‌مایگی

آرزویی بزرگ است؟

(۳)

می‌خواستم بگویم:

«گفتن نمی‌توانم»

ایا همین که گفتم

یعنی

همین که

گفتم؟!

(۴)

من

سال‌های سال مُردم

تا این که یک دم زندگی کردم

تو می‌توانی

یک ذره

یک مثقال

مثل من بمیری؟!

خدیجه پنجمی

### مقصود عاشقانه فطرت

شش رتبه از مراتب خلقت، علی، علی ست  
تلفیق ابتدا و نهایت، علی، علی ست  
از لایه لای این کلماتی که درهم آید  
جمع میان کثرت و وحدت علی، علی ست  
هر ذره در شروع خودش گفت: یا علی!  
مقصود عاشقانه فطرت، علی، علی ست  
تسیح آب و آتش و غوغای خاک و باد  
هوهوی بی صدای طبیعت، علی، علی ست  
منظومه قضا و قدر در دو دست اوست  
یعنی مدار چرخش قسمت علی، علی ست  
در هر کجا که قصه خلقت تمام شد  
دستی نوشته نقطه سر خط... علی، علی ست!

### بهبانه‌ای برای سرودن

دلم برای تو آقا عجیب تنگ شده  
دل تمام غزل‌ها شبیه سنگ شده  
برای از تو سرودن، بهبانه می‌گیرد  
غزل بدون تو دیگر، اسیر رنگ شده  
تمام حس خودم را به کار می‌گیرم  
کمیت شعر من اما، ببین چه لنگ شده...  
برای یاریات آقا، قیام کرده غزل  
به سمت سینه دشمن، قلم تفنگ شده!  
زمین، از این همه ظلمت، به تنگ آمده است  
چرا زمانه چنین، پر ز نام و ننگ شده  
کنون که خلق، ظهور تو را به دل طلبند  
ندانم از چه در آن، این قدر درنگ شده؟!  
همیشه جمعه برایت نماز می‌خوانم  
دلم برای تو آقا عجیب تنگ شده

دو غزل از زنده یاد سیدحسن حسینی

### سکه مهتاب

ای شکوه کهکشانشا پیش چشمانت حقیر  
روح خنجر خورده‌ام را از شب مطلق بگیر  
رشد مرغان رها در باد شد پرواز من  
تا شدم در تار و بود خلعت عشقت اسیر  
طرح لبخند غیورت مثل باران، مهربان  
چنگل سبز حضورت مثل دریا دلپذیر  
من همان باز بلندآوازه تاریخی‌ام  
از نشستن روی بازوی نجیبت ناگزیر  
کوجه کوجه هفت شهر عاشقی را گشته‌ام  
مثل تو پیدا نکردم، ای شگفت بی‌نظیر!  
ای کریم آسمانی با نگاه روشنت  
سکه مهتاب را دادی به شب‌های فقیر

### ازلی مرد

ای ازلی مرد برای ابد  
بی تو زمین، سرد برای ابد  
نام قدیمت زلب حادثه  
نعره برآورد برای ابد  
پلک تو شد باز و به روی دلم  
پنجره گسترده برای ابد  
هر گل سرخی که جدا از تو رُست  
زرد شود زرد، برای ابد  
غیر دلت لشکر اندوه را  
کیست هم‌اورد، برای ابد؟  
یار تو عیار، ز روز ازل  
خشم تو نامرد، برای ابد  
چشم تو در عین تحیر شکفت  
آیینه پرورد برای ابد  
دست تو از روز ازل زد رقم  
بهر دلم درد، برای ابد  
مست شد از باده روشن‌گرت  
این دل شیکرد برای ابد  
صبح ازل مهر تو در من گرفت  
شعله‌ورم کرد، برای ابد...

### ترانه‌های سپید

محمدعلی بهمنی

(۱)

از پله‌های ابر

پایین

می‌آید

بی‌ذوقی نکن

چتر سیاه!

(۲)

نم

نم

باران می‌شوم

چتر می‌کشایم

رگبار ناگهان می‌شوم

بغض آسمان می‌شوم

چتر می‌بندی

بارش گیسوان می‌شوم

چرخان می‌شوی

چرخان می‌شوم

بهاران می‌شویم.

(۳)

شاعر

حسود هم که باشد

حریص نیست!

نم شعری

قانعش می‌کند.

(۴)

چشم می‌گوید:

نیست

شعر می‌گوید:

هست!

(از مجموعه چتری برای چه)

